

زهرای رضایی

انشا با موضوع «مصرف آب»

آقا اجازه! این روزها همه‌جا، از تلویزیون تا حرف‌های پدر و مادرمان و استوری‌های بلاگری که یواشکی از گوشی خواهرمان دنبال می‌کنیم، می‌گویند «باران کم شده» و «خشکسالی است». پدرمان می‌گفت نسو این خشکسالی تفسیر شمس است. شمس، همسایه بالاسری ما است. آقا اجازه، شمس عاشق صدای آب است. به قول پدرمان «از خروس خون صبح، تا بوق سگ شب صدای شیر آب از خانه‌شان می‌آید». انگار بدون این صدا، نمی‌تواند کار کند. من یک بار شنیدم به مادرم گفتم: «من وضو صابون دارم بدون آب نمی‌تونم هیچ کاری کنم». وضو صابون که نمی‌دانم چیست شاید همان‌طور که من چیپس و پفک را دوست دارم، شمس خانم هم آب را دوست دارد. ولی من از وقتی فهمیدم چیپس و پفک خوب نیست و آن دفعه هم به جای مدرسه مجبور شدم در WC خانه بمانم دیگر از این چیزها نمی‌خورم. شمس خانم هم با این کم‌آبی باید عشقش را رها کند.

به نظر من آقای معلم هم بی‌تفسیر نیست. آقا اجازه! این شما نیستید، شما که ماشین ندارید. آقای معلم پیش‌دبستانی‌مان را می‌گویم، همیشه ماشینش را با شلنگ و کلی آب می‌شست. یک بار هم ما بچه‌ها را تنبیه کرد که ماشینش را بشویم. آن روز خیلی خیس شدیم. مادرمان فکر کرد کار بدی کردیم و نزدیک بود دمپایی بخوریم ولی سریع داستان را گفتم و دمپایی نخوردیم. مادرمان آن روز کلی حرف‌های بوق‌دار به معلم‌مان گفت که چرا آب را هدر می‌دهد. ولی آقا اجازه مادرمان خودش هم همین کار را می‌کند ولی نمی‌دانم چرا وقتی این حرف را زدیم دمپایی که آن موقع نزد را زد. مادرمان هر سال قبل از عید، فرش‌ها را «می‌اندازد توی آب» البته ما با آرامی فرش را در حیاط پهن می‌کنیم ولی مادرمان می‌گوید: «می‌اندازم بشو». بعد هم کلی آب روی آن می‌ریزد.

تازه فقط این نیست؛ در تلویزیون دیدم که می‌گویند کودکان نباید کار کنند و کودکانی که کار می‌کنند را می‌گویند «کودک کار». به نظرم آمد ما هم کودک کار هستیم.... یکی دیگر از چیزهایی که باعث کم‌آبی می‌شود ورزش کردن است. آقای معلم‌مان، آقا اجازه! منظورمان شما هستید، همیشه وقت زنگ ورزش می‌گویید: «مثل آب خوردن می‌برمتون!» پس یعنی ورزش کردن هم آب می‌خواهد؟ تازه بعد از ورزش هم همه مقدار زیادی آب می‌خورند. برای همین من ورزش نمی‌کنم، شما فکر می‌کنید به خاطر تنبلی است ولی ما به فکر آب هستیم. یکی دیگر از کسانی که در کم‌آبی تفسیر دارد پدر بزرگ‌مان است. یک روز هم شنیدم پدرمان یواشکی که مادرمان و خاله‌مان نشنوند به شوهر خاله‌مان می‌گوید که پدر بزرگ‌مان خیلی آب هدر می‌دهد و بدآموزی دارد. پدر بزرگ‌مان فکر می‌کند سبزی‌هایی که می‌کارد فقط با آب تازه خوب رشد می‌کنند. همیشه شلنگ را باز می‌گذارد و کنار باغچه می‌ایستد. ولی من مطمئنم نسو آبی که از شلنگ می‌آید، به جای سبزی‌ها، پای کفش‌های پدر بزرگ‌مان می‌رود. برای همین است که هیچ وقت سبزی‌هایش رشد نمی‌کنند ولی کفشش خیلی بزرگ است. امروز که می‌خواستم انشا بنویسم خیلی فکر کردم و فهمیدم بقیه تفسیرها، تفسیر برادرانم است.

برادرانم موقع مسواک‌زدن، شیر آب را باز می‌گذارد. اگر یک روز آب قطع شد، حتماً او مقصر اصلی است. این بود انشای من.



ضمیمه طنز راه راه کاری از

دبیر سرویس نثر: فاطمه بوجار
دبیر سرویس شعر: فریبا رئیسی
دبیر سرویس کارتون: نمین سلیمانی نژاد
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و
کاریکاتور انقلاب اسلامی
https://zil.in/bashgahtanz

اسرافات را قورت بده!

سجاد گل‌پور



نه به وسواس شست‌وشو

برادرا! خواهر!ا پاکه، اینقد نشورین!

غمِ آب بزرگ‌تر از غمِ نان

بابا آب نداد

پشت سدها شهری است بی آب

سیلم آرزوست

نه به اجرای کنسرت در حمام

هو! اسراف نکن
موجود دوبا!

آب هست ولی خیلی کم هست

آب در کوزه نیست و
باید گردِ جهان بگردیم

آب یا ارث پدری؟

روی یخ‌های قطبی حساب نکنید!

شیر را باید بست

باز گذاشتن شیر آب مانع کسب است

قطره قطره صرف گشت
وانگهی! خشکیده شد

هشتگ، حمام استودیو نیست

شستی عزیزم دست را تا بار چندم

خشکید باغ و شالی و انگور و گندم

انگور و گندم را ولش مرد حسابی

یک آفتابه آب مانده دست مردم؟

طاهره ابراهیم نژاد

هی آب ز پا تا به سر و گوش گرفتی

انگار که از آب یکی موش گرفتی

خیس است تمام سر و روی تو، قشنگم

مسواک زدی با پسر دم دوش گرفتی

محمود حسنی مقدس

بی جنبه که باید بدهد آگاهی

شد باعث بدگمانی و گمراهی

از سد کرج که قطره‌ای آب نداشت

یک عده گرفتند هزاران ماهی

طاهره ابراهیم نژاد

پینوکیو

نام علمی: barandaz

گونه‌ای از دشمنان جمهوری اسلامی که بیشتر در نواحی لندن و آمریکا یافت می‌شود.

این گونه که علاقه‌مند است ایران را تجزیه کند، با دروغ گفتن سعی دارد افراد زودباور را گول زده و از مغز سرشان تغذیه کند. اراجیف و دروغ‌های این گونه به حدی زیاد است که پینوکیو در مقابل این گونه باید لنگ بیندازد.

مسائل متنوعی مثل آشوب در حیطه افعالی این گونه است. یکی از دروغ‌های جدید این گونه برای طعمه قرار دادن مغز سر افراد زودباور، پیدا شدن چند جسد در سد کرج است که اگر از بتون‌های خود سد هم بپرسیم با گفتن: «داداش کار منو همکارام ذخیره آبه. اینجور وصله‌ها به ما نمی‌چسبه. برو خدا یه جا دیگه روزیتو حواله کنه.» پاسخ دندان‌شکنی به ما می‌دهند. این گونه در دسته جانورانی است که با شیش‌ها همزیستی دارند، زیرا زمان زیادی را صرف تغذیه از مغز کسانی می‌کنند که سواد رسانه ندارند، به همین دلیل وقت نمی‌کنند به بهداشت خود اهمیت داده و با شیش‌ها همزیستی دارند.

این گونه به شدت عاشق چیزی به اسم پول هست و این قابلیت را دارد که همچون افتاب‌پرست با دیدن پول رنگ عوض کند. گونه فوق بسیار پرتلاش بوده و برای رسیدن به اهداف خود حتی از افعالی چون باز گذاشتن شیر آب و به برق زدن اتو هم دریغ نمی‌کند.

این گونه عاشق گونه‌های دیگر از حیوانات موسوم به اسرائیل است. در زمانی که اسرائیل در حال میکیدن خون بقیه است، این گونه قربان صدقه‌اش رفته و می‌گوید قربون میکیدن بشم. از قدیمی‌ترین این گونه‌ها می‌توان به ربع پهلوی اشاره کرد. این گونه متأسفانه همچنان از حیات رنج می‌برد.

در برخی ایام که آب گل‌آلود می‌شود، می‌توان شاهد فعالیت بیش‌فعاله این گونه بود. طبق بررسی‌های کارشناسان، افرادی که سواد رسانه‌ای دارند و فیلم ساختگی سد کرج را باور نکردند، هیچ وقت صید این جانوران نمی‌شوند.

تنها راه صید نشدن توسط این جانوران، افزایش سواد رسانه و باور نکردن حرف‌های‌شان است.

فروش دستگاه قطره‌شمار
جهت شیرهای چیکه‌کن
تخفیف ویژه برای مشترکین پر مصرف

فروش فوری
مجموعه‌ای از کتاب‌های دست‌نخورده و
نخوانده

گزینهای ایده‌آل برای استوری «حال بد عمیق»

یک عدد شیلنگ آب به فروش می‌رسد
فقط باهاش جلوی در مغازه رو می‌شستن
فروش به علت کم‌آبی

یک قفسه کتاب شیک و رنگی
انتخاب شده برای هارمونی عالی با دیوار
مشکی
معاضه با پیچ اینستاگرام

نیازمند یک فرد جوان و کتابخوان
صاحب عینک مطالعه
جهت عکاسی نمادین از کتابخانه محله
به مناسبت هفته کتابخوانی

یک پاراگراف خلاصه و پُر درد از یک کتاب
معروف نیازمندیم
مناسب برای کپشن اینستاگرام
مبلغ توافقی

نیازمندی‌ها

پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۴
وطن‌امروز | شماره ۴۴۶۸
طنز

ایرونیش بیت‌رس!

زهرای خانوم: الووو سلام مهری جون خوبی خالد چی‌طوره؟ چه خبر!؟ کوچاین پ هر چی زنگدون زدم درآ و نیمه‌کونین؟

مهری جون: سلام زهرای خانوم الحمدلله خوبم. ممنون. شوما حال‌دون چی‌طوره؟ صدای تلویزیون زیادس. نشفتیم زنگ زدین.

زهرای خانوم: الحمدلله! میگما امروز نیمبای منا تو آ سبکینه خانوم بریم عیادت عروسی شهره خانوم؟ میگن بنده خدا چند ماه پیش سرطان گرفتس. پچازم می‌خی می‌داریم مچد بازی کونن تا ما برگردیم.

مهری جون: عه وای خدا! مرگم پدد اون که خیلی جوونس که. سرطان هم که تو ایران درمان ندارد. بایسی به عالم پول خرج کونن ببرندش خارج بلکم خوب شد.

زهرای خانوم: خُبه خُبه مهری جون ای حرفای که شوما داری می‌زنیا حداقلش واسی بیس سال پیشس. دیگی الان خودمون تو ایرانی خودمون همه‌چی داریم. تازگیام از رادیو خبر شنوتم محققای ایرانی یه شرکت دانش‌بنیان یه داروی ضد سرطان خارجی ساختن به نام سیکلوفسفاماید که چن‌تا سرطان رو باهاش درمون می‌کونن. این دارو برای اولین بارس که با کیفیت مشابه خارجیش تولید شد! تازشم خارجی همین دارو، ده برابر گرون ترس! اصی میدونسی تو کلی دنیا کلا پنش‌تا کشور این داروعه رو تولید می‌کونن؟!

مهری جون: راس می‌گوی؟ ینی حالا این بنده خدا با این دارو جدید درمان میشد؟ من که چشم آب نیمه‌خور! همه‌چی خارجیش بیت‌رس!

زهرای خانوم: مهری جون شغای اصلی که دست اوستا کریمه! د جل باش دل بریم سر راه از دکون خج ممدشن هم یه کیلو پرتقال پسونیمما بریم.

مهری جون: باید بشد بریم زهرای خانوم هولم نکون. ولی اگه تو راس بوگوی و عروس شهره خانوم حالش خب پیشد، به برونی مُشدی مهمون خودمی!

شش ماه بعد

دیییییگ دییییییگ دییییییگ

مهری جون: کیه‌س ایجور در می‌زنه؟ در پیشس، بیایند تو.

زهرای خانوم: یالله یالله! سلام مهری جون خالدون خیس؟ اومدم بدون یگم دیگه وقتشس بیرونا بار بذاری!

فرشته پنداری

What?!

آب یعنی طعم شیرین حیات

تشنه باشی می‌زنی بدجور قاط

یک، نه! نصف روز بی‌آبی بکش

می‌روی با کله در آب قنات

گر نباشد آب، گندم هوتوتو

نرخ بیت‌کوبن شود نان بیات

می‌زند علم پزشکی سخت لنگ

گر نباشد آب کو چایی نبات؟!

باغ و دشت و گل‌های گوسفند

می‌شود نوعی تخیل، فیلم، شات!

کسب و کار و صنعت و علم و هنر

می‌شود تعطیل وقتی نیست آب

قافیه در سیل اسراف آب رفت

نم کشیده این وسط حتی سوات!

پس نکن اسراف زیرا می‌کنی

آب را کیش و خودت را سخت مات

چیست فازت می‌کنی اسراف باز؟!

من که خواندم اینقدر روضه برات

....آب بالا دست را گل کرد و بعد

رو به سهراب سپهری گفت: وات؟!



گمشده

ارتش لبنان گمشده. نامبرده دائم به تسلیحات حزب‌الله حسودی کرده و می‌گفت: موخوام همه‌اش مال خودم باشه. اکنون پس از حمله ارتش اسرائیل به خاک لبنان وی که نمی‌خواست اسرائیل اسباب‌بازی‌هایش را خراب کند، متواری شده.

از یابنده تقاضا می‌شود هرچه سریع‌تر او را یافته و پس از گرفتن تسلیحات، آنها را در شکم اسرائیل فرو کند.

با تشکر